

تذبری دیگر در آیه موت

قسمت اول

تقریر بحث: آیت الله شیخ محمدرضا جعفری

نگارش: عبد الله رضاداد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بخشی از بیست و سومین آیه کریمه سوره «شوری» عبارتی آمده است که به «آیه مودت» نامور می‌باشد.

متن این عبارت شریفه بدین قرار است:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾

«بگو (ای پیامبر!) برای آن کار (رسالت) از شما مزدی نمی‌طلبم مگر دوستداری در حق نزدیکان [اهل

بیتم]!»

کلمه مودت که در این آیه مبارکه به کار رفته از ریشه «ود، یود» و از مصدر «مفعلة» می‌باشد.

از این ریشه و مصدر، مشتقات دیگری نیز در کتاب کریم وجود دارد که جمعاً در بیست و هشت موضع

قرآن دیده می‌شود و ذیلاً برخی از آنها به عنوان نمونه می‌آورد:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً﴾

«کافران خوش دارند که کاش شما از سلاحها و ساز و برگتان غافل باشید تا ناگاه به يك حمله بر شما

بتازند»^۱

﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾

«چه بسا کافران آرزو کنند کاش مسلمان بودند»^۲

۱. سوره نساء، آیه ۱۰۲.

۲. سوره حجر، آیه ۲.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی خدای رحمان برای آنان محبتی در دل‌ها قرار

می‌دهد»^۱

همچنین در هشت موضع از آیات، کلمه «مودت» عیناً به کار رفته که يك مورد از آن، آیه مودت می‌باشد.

دو مورد دیگر نیز به عنوان نمونه ذیلاً بیان می‌گردد:

﴿وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى﴾

«قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت»^۲

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾

«و از نشانه‌های خدا این که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی

و مهر نهاد»^۳

این آیات نمونه‌هایی از کاربرد لفظ «وَدَّة» و مشتقات آن را در قرآن کریم بدست می‌دهد و همانگونه که از

ظاهر معنی آنها برمی‌آید يك مفهوم در همه مصادیق یاد شده مشترك و آن دوست داشتن و مهر ورزیدن است.

۱. سوره مریم، آیه ۹۶.

۲. سوره مائده، آیه ۸۲.

۳. سوره روم، آیه ۲۱.

اما کلمه دیگری نیز که از نظر مفهوم نزدیک و مشابه این لفظ است، در زبان عربی وجود دارد و آن عبارت از حُبّ و محبّت می‌باشد. این کلمه و مشتقات آن در هشتاد و سه موضع از آیات قرآن کریم به کار رفته است که نمونه‌هایی را ذیلاً می‌آورد:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾

«ای پیامبر! بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد»^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی دیگر را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست می‌دارند»^۲

﴿إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَ اللَّهِ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ﴾

«هنگامی که برادران یوسف گفتند: یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما که جمعی نیرومند هستیم دوست داشتنی‌ترند»^۳

﴿وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي﴾

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

۳. سوره یوسف، آیه ۸.

«خداوند به حضرت موسی فرمود) من مهري از خود بر تو افکندم»^۱

نخستین پرسشی که در این بحث باید به آن پرداخته شود عبارت است از اینکه تفاوت «محبّت» و «مودّت»

چیست؟

می‌دانیم که «محبّت» از زمره وجدانیات آدمی است و از یافتنیهای (درونی) انسان به شمار می‌رود. البته

کسی انسان را نسبت به آنچه در درون خود می‌یابد، راهنمایی نمی‌کند. ممکن است ما در ضمیر خویش به

کسی یا موضوعی احساس گرایش (محبّت) یا پرهیز (نفرت) داشته باشیم، اما آن را به عنوان يك کشش پنهان

در خویش نگه داریم و حتی هیچ لفظی برای بیان آن نیابیم. نوزاد آدمی را در نظر آورید که در روزها و

ماههای اولیه زندگی با همه وجود به مادر خود و شیر ذخیره شده در جایگاه سینه او علاقه و کشش دارد، اما

بیان و بازگویی این علاقه برایش میسر نیست و فقط آنگاه که از مادر خود دور می‌افتد، با حرکت دست و پا

و احیاناً گریستن، دیگران را نسبت به سائقه درونی خویش هشدار می‌دهد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی شگفت‌دل‌بستگی اهل ایمان به فرزند خود امام

حسین (علیه السلام) را یادآوری نموده و فرموده است:

«إِنَّ لَوْلَدِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مَحَبَّةً مَكْنُونَةً»

«برای فرزندم حسین محبت نهفته‌ای در دل اهل ایمان وجود دارد»

۱. سوره طه، آیه ۳۹.

محبّت مکنونه یعنی محبّتی که در خانه دل جای گرفته است. واژه «کَنَ» در زبان عرب به مفهوم پوشاندن می‌باشد و اگر به کسر «کاف» یعنی «کِنَ» تلفظ گردد به مفهوم اختفاء شیئی در جایگاهی است که نخواهیم یا نتوانیم آن را بیرون آورد. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنُتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ﴾

«در خواستگاری از زنان (مطلقه یا شوی مرده) آنچه به کنایه بر زبان آورید یا در دل نگاه دارید، بر شما گناهی نیست»^۱

و باز می‌فرماید:

﴿وَإِنْ رَبُّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾

«و بی‌تردید پروردگار تو آنچه آنان در سینه‌هاشان نهفته داشته و آنچه را آشکار دارند، نیک می‌داند»^۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلّم) نیز از محبت حضرت حسین (علیه السلام) در دل اهل ایمان به محبت

مکنونه تعبیر فرموده است، یعنی ظرف دل مؤمن هیچگاه از حبّ حسینی خالی نیست، و هیچ عاملی نمی‌تواند

این محبت را از این جایگاه بیرون ببرد! ممکن است برخی به غلط بپندارند که محبت مکنونه یعنی نوعی از

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۵.

۲. سوره نمل، آیه ۷۴.

دوستی که انسان آن را ابراز و اظهار نکند، نه، چنین نیست؛ بلکه آن محبتی است که بسا بروز و ظهور نیز پیدا کند اما در هر حال پایدار است و برقرار و ماندگار می‌باشد.

پس دانستیم که «محبت» کشش درونی و گرایش باطنی است نسبت به يك شیئی یا يك شخص، که از آن به دوستی یاد می‌شود. اما «مودت»، محبتی است ویژه و مخصوص، محبتی است که بازتاب و کنش بیرونی در پی داشته باشد؛ نوعی از دوستی است که در آن مُحِبّ علاقه و دلبستگی خویش را نسبت به محبوب اظهار می‌دارد. بنگرید قرآن می‌فرماید: خداوند میان زوجین مودت نهاده است، یعنی رابطه میان زن و شوهر باید بر مبنای «وُدّ» باشد و هر يك از طرفین باید مناسبات، روابط، گفتار و رفتار خود را نسبت به طرف دیگر به گونه‌ای تنظیم نماید که گویا محبت او باشد و از آنچه می‌گوید یا انجام می‌دهد، بوی خوش محبت استشمام شود. همچنین قرآن کریم در توضیح عواطف کافران نسبت به اهل ایمان می‌فرماید:

﴿وَدُّوا لَوْ تُكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً﴾

«آنان همانگونه که خود کافر شدند، خوش دارند (و آرزو می‌کنند) که شما نیز کافر شوید تا در نتیجه

همانند باشید»^۱

یا می‌فرماید:

﴿فَلَا تَطْعَمُ الْمُكْذِبِينَ * وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾

۱. سوره نساء، آیه ۸۹.

«پس از آنان که رسالت تو را دروغ پندارند، پیروی مکن! ایشان خوش دارند که با آنها سازش کنی، تا با

تو سازگاری کنند، به نرمی با آنان رفتار نمایی تا نرمی نمایند!»^۱

یعنی موضوع منحصر در يك علاقه و وابستگی درونی نیست، نه بلکه می‌خواهد در عمل، رفتار، اتخاذ

موضع سیاسی و چگونگی تدبیر امر، شما را به سازش وا دارد و البته در این صورت متقابلاً نیز با شما سازش

خواهند نمود!

اینک با دریافت مفهوم واژگان «محبّت» و «مودّت» و درك تفاوت این دو مفهوم، به نکته دیگری

می‌پردازیم و آن عبارت است از اینکه: فعل «وَدَّ» «یَوَدُّ» دارای دو مصدر است: «وَدَّ» و «مَوَدَّة» هر دو مصدر

نیز در قرآن کریم به کار رفته است: نخستین در آیه ۹۶ سوره مریم و دومین در آیه ۲۱ سوره روم؛ به هر دو

آیه شریف نیز پیشتر استشهاد گردید. آیا این دو لفظ با یکدیگر تفاوت معنی ندارد؟

در اینجا تذکر این نکته لازم است که الفاظ در زبانهای مختلف بدون دلیل و بی‌سبب خلق نمی‌گردد و تا

ضرورت معنایی اقتضا ننماید، لفظ جدید ابداع نمی‌شود. وُدّ مصدر اصلی و مودّة مصدر میمی است بر وزن

مَفْعَلَة، چنان که حُبّ و مَحَبّة؛ کاربرد مصدر میمی برای بیان ثبات، دوام، قوّت و شدّت تأثیر فعل است و «تاء»

نیز که به آخر آن افزوده شده، تاء تأنیث یا وحدت نیست، بلکه تاء مبالغه است. یکبار دیگر کلام شریف

۱. سوره قلم، آیه ۸ و ۹.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خصوص دوستی اهل ایمان نسبت به حضرت سیدالشهداء (علیه

السلام) در نظر آورید!

حضرتش فرمود:

«إِنَّ لَوْلَدِي الْحُسَيْنِ (عليه السلام) فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مَحَبَّةً مَكْنُونَةً!» و فرمود ... «حُبًّا مَكْنُونًا»

محبت یعنی حب پایدار و نیرومند که زوال و ضعف نمی یابد.

در اینجا برای جلب توجه بیشتر خواننده ارجمند به کاربرد مصدر اصلی و مصدر میمی در زبان عربی و

تفاوت معنایی میان آن دو، مصادیقی را از آنچه در این زبان رایج است، ذیلاً تقدیم می دارد:

۱ - جَهْلٌ، مَجْهَلَةٌ:

در توصیف شهر مکه قبل از ظهور اسلام آورده اند:

«كَانَتْ مَكَّةَ قَبْلَ بَعْثَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَجْهَلَةً»

«شهر مکه پیش از طلوع خورشید اسلام و رسالت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) مجهله بود.»

یعنی محیطی انباشته از نادانی ثابت و ماندگار؛ هر کس را می دیدی نادان بود و نادانی اش نیز کاستی و زوال

نمی گرفت! هر چند پس از ظهور و شیاع اسلام نیز برخی از افراد و حتی مسلمانان، همچنان در جهل و نادانی

باقی ماندند، اما جامعه اسلامی دیگر مجهله نبود، و جمع کثیری نیز به برکت اسلام و تعالیم رسول الله (صلی الله

علیه و آله و سلم) به دانش و علم راه یافتند.

همچنین از نادانی نوجوانان در سنین نوجوانی به مَجْهَلَةُ الأحداث تعبیر می‌شود، یعنی نوعی از نادانی که در وجود أحداث و نوریسیدگان دوام و استقرار دارد و تا آن‌گاه که سن آنان افزایش نیابد و بر دانش و تجربه ایشان افزوده نشود، برطرف نمی‌گردد.

۲ - علم، مَعْلَمَة:

هنگامی که تألیف کتب دانشنامه (Encyclopedia) در دنیای علم رواج یافت، در زبان عرب این واژه را ابتدا به دائرة المعارف ترجمه کردند اما سپس تعبیر مزبور را دقیق نیافتند و کلمه مَعْلَمَة را جایگزین آن نمودند، یعنی کتابی که جمعی از دانشمندان و اهل تحقیق و تخصص، هر کدام در موضوع مورد تخصص و اشراف خویش، مطالب و مفاهیمی را در آن نگاشته‌اند به گونه‌ای که حجمی انبوه و قابل اعتنا از علم و مقولات علمی در آن فراهم آمده و استقرار یافته است و می‌تواند برای محققین و مراجعین مفید فایده باشد.

۳ - ضیاع، مَضِیْعَة:

گم شدن، تباه و تلف شدن، به ثمر نرسیدن؛

مَضِیْعَة گونه‌ای از گم شدن است که یافتنی برای آن امکان‌پذیر و قابل تصوّر نباشد. آن کلام شریف

می‌گوید:

«الْإِشْتِغَالُ بِاللَّهِوِ مَضِیْعَةٌ بِالْعُمْرِ»

پرداختن به هُو و بیهودگی (در زندگی) موجب تباهی و تلف عمر است، چنان تباه و ضایع که دیگر هیچ اثر

و ثمری بر آن مترتب نیست.

۴ - هَوَان، مَهَانَة:

هَوَان پستی و فرومایگی است ولی مَهَانَة نوعی از خواری است که بسا عزّت و بلند مرتبگی در پی نداشته

باشد. روایت شریف می فرماید:

«سَوْءُ الْخُلُقِ مَهَانَةٌ لِلْمُؤْمِنِ»

«بدرفتاری به خواری مؤمن می انجامد» یعنی باعث می شود عزّت او ضایع شود و از دست برود چندان که

دوباره بدست نیاید. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز فرزندان عبدالمطلب را به حسن خلق با مردم

فرمان داد و فرمود:

«إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ وَ سَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ»

شما هرگز نمی توانید با مال و ثروت خویش به همه مردم رسیدگی کنید (و آنان را به خود جلب نمایید)،

بکوشید با اخلاق و خوش رفتاری نسبت به آنها، محبتشان را بدست آورید!

۵ - رَحْمَة، مَرْحَمَة:

مهرورزی، شفقت و مهربانی.

در فتح مکه هنگامی که مسلمین به مکه درآمدند، در حالی که نزدیک به بیست سال و بیشتر، از مشرکین و

قریش صدمه و آزار دیده بودند، و از سویی قدرت خویش و ضعف دشمن را می‌دیدند، به این شعار فریاد

برآوردند: «الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ» امروز روز آن فتنه بزرگ و انتقام سخت است و چنان با یکدیگر خواهیم

جنگید و رویارو خواهیم شد که امکان جدایی صفوف رزم نباشد!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمان داد که مسلمین شعار خود را تغییر دهند و بگویند: «الْيَوْمُ

يَوْمُ الْمَرْحَمَةِ» امروز روز رحمت فراگیر، پایدار و همه جانبه است، رحمتی که خلاف آن را نخواهید دید، و به

راستی که حضرتش چنین نیز رفتار نمود؛ از همه دشمنی‌هایی که در طول سالهای متمادی از مشرکین و قریش

دیده بود، چشم پوشید و گذشت فرمود. ابوسفیان - آتش بیار معرکه جنگ‌ها - را نیز آن‌گاه که از پیامبر امان

خواست، امان داد و حتی خانه او را نیز مأمن نهاد و فرمود: هر کس به خانه ابوسفیان پناهنده شود، در پناه

است، و با بیان يك جمله به عفو عمومی فرمان داد و فرمود:

«اَذْهَبُوا وَ أَنْتُمْ الطَّلَاءُ»

«بروید که آزاد شدگانید!»

۶ - نُومٌ، مَنَمَةٌ:

رشد، فزاینده‌گی، فزونی.

منمأة یعنی رشد فزاینده و مستمر. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه شریف ضمن بر شمردن

حکمت وضع و جعل احکام الهی از جمله می فرماید:

«وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنَّمَا لِلْعَدَدِ» و خداوند پیوند با خویشان را موجب افزایش مداوم شمار نفراتتان قرار داد.^۱

نظیر این تعبیر را حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز در ابتدای خطبه احتجاجیه خویش با ابوبکر در

مسجد مدینه بیان کرد و فرمود: «وَصِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَّمَا لِلْعَدَدِ»

۷ - یُسْر، مَيْسِرَة:

آسانی، گشایش و توانگری (در مال)

قرآن کریم نسبت به افراد وامدار و نیازمند، فرمان به رعایت حال می دهد و می فرماید: «وَإِنْ كَانَ ذُو

عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسِرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

«و اگر وامدار تنگدست بود، پس مهلتش باید، تا گشایشی یابد، و اگر بر او ببخشایید، البته این برای شما

بهتر است، اگر بدانید»^۲

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۴۲.

۲. سوره بقره، آیه ۲۸۰.

بنگرید قرآن نمی گوید فَنظِرَةً إِلَىٰ يُسْرٍ، بلکه فرموده فَنظِرَةً إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ؛ ميسره یعنی يُسر ثابت، یعنی گشایش

و سِعه‌ای که اگر وامدار قرض خود را ادا نمود، به عسرت مبتلا نشود و معاش او به اخلال نگراید. دقت کنید

این دستور قرآن است!

و سرانجام از این قبیل است: قَتَلَ و مَقْتَلَةً، نَسَى و مَنَسَتَهُ، دَرَسَ و مَدْرَسَتَهُ، و ... که به منظور پرهیز از اطاله

کلام از توضیح آن درمی گذریم.

حال به بحث باز گردیم. سخن بر سر مودّت است و بنابر آنچه بیان کردیم مودّت عبارت است از: محبّت

پایدار، ماندگار و مداوم همراه با بکارگیری لوازم و تجهیز به جهازی که به بروز، ظهور و آشکاری آن بیانجامد

و علائق قلبی را از نهفتگی و خفتگی خارج سازد.

با این توضیح، به بیان تفسیر نسبت به آیه مودّت می پردازیم. خداوند متعال در بیست و سومین آیه سوره

مبارکه «شوری» از این مفهوم سخن گفته و فرموده است:

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ

وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾

«این همان مژده‌ای است که خداوند به بندگانش که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آن را نوید داده

است؛ (ای پیامبر) بگو! برای آن کار (رسالت) از شما مزدی نمی‌طلبم مگر دوستداری در حق نزدیکان (اهل

بیتم)، و هر کس کار نیکی کند، برای او در ثواب آن خواهیم افزود، زیرا که خداوند آمرزگارِ قدردان است»^۱

بحث در خصوص شأن نزول این آیه شریفه و لطائف و دقائق تفسیری آن را به گفتار دیگر وا می‌گذاریم.

۱. سوره شوری، آیه ۲۳.